

شبیه‌سازی انسانی؛ از پیامدهای اخلاقی تا سیاست کیفری

علی اصغر قربانی

چکیده

یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای نوین عرصه پزشکی، تکنولوژی شبیه‌سازی می‌باشد. همزمان با اعلام برخی نتایج موفقیت‌آمیز در این دانش، شاهد موضع‌گیری‌های متفاوت و مناقشات از سوی علما و اندیشمندان حوزه‌های مختلف علمی، اخلاقی، دینی، اجتماعی و حقوقی اعم از شاخه کیفری، مدنی و بین‌الملل بوده ایم که این امر باعث پیدایش میدانی بزرگ برای تلاقی افکار و تعاطی آراء گردیده است. برآیند این چالش‌ها در حوزه حقوق جزا منجر به تصویب پاره‌ای قوانین و جرم‌انگاری همانندسازی در ابعاد فراملی و به تبع آن در برخی کشورها، در عرصه ملی شده است. دامنه جرم‌انگاری‌های انجام شده از منع تمام گونه‌های همانندسازی تا منع صرف همانندسازی انسان متغیر بوده است. این سیاست جنایی متغیر دولت‌ها عمدتاً ناشی از تفاوت باورهای مذهبی و دینی و تنوع اندیشه‌های اخلاقی حاکم بر آنها می‌باشد. ایران اسلامی علی‌رغم اینکه در زمره ده کشور برتر صاحب این فناوری است، هنوز سیاست کیفری مشخص و روشنی در این خصوص اتخاذ نکرده است. در این نوشتار پس از بررسی اجمالی عملکرد جامعه جهانی و سیاست جنایی برخی دول پیشرفته همچنین دیدگاه غالب و کلی فقهای اسلامی و پیامدهای سوء اخلاقی و مفسد موجود در تجویز این تکنولوژی ضرورت جرم‌انگاری آن را در کشورمان استنتاج نموده‌ایم.

واژگان کلیدی

شبیه‌سازی؛ جرم‌انگاری؛ سیاست کیفری؛ اخلاق.

شبیه‌سازی انسانی؛ از پیامدهای اخلاقی تا سیاست کیفری

دستیابی اخیر دانشمندان کشورمان به تکنولوژی سلول‌های بنیادی و همانندسازی برخی پستانداران، در این زمینه ایران را از نظر تکنولوژیکی جزء پیشگامان این فناوری در جهان قرار داده است، ولی از نظر حقوقی و تصویب قوانین لازم و جرم‌انگاری هنوز نتوانسته است همگام با این پیشرفت تکنولوژیکی گام بردارد. اگر چه غالباً پس از ظهور پدیده‌ها و بروز مسائل مربوطه، دستگاه قانون‌گذار اقدام به تهیه و تصویب قانون براساس نیازهای موجود و پیش‌بینی‌های آتی می‌کند ولی چنانچه شکاف زمانی بین بروز پدیده‌ها و تدارک مقررات لازم، طولانی شود به‌ویژه در مورد موضوعات مهم و حیاتی که دارای ابعاد گسترده و زوایای پنهان می‌باشند خطرناک بوده، چه بسا مایه فساد و تباهی و پیامدهای جبران‌ناپذیر گردد. شبیه‌سازی از جمله مسائل نوپیدایی است که حوزه‌های بسیاری از علوم بشری را تحت تأثیر قرار داده و تجویز نستجیده و گسترش غیرقانونمند آن می‌تواند در کنار کاربردها و فوایدش با عواقب منفی و مخربی همراه باشد. بدین روی بسیاری از مجامع بین‌المللی و در رأس آنها سازمان ملل متحد به عنوان پرچم دار و قافله‌سالار مجموعه دول در قبال این پدیده واکنش نشان داده‌اند. اگر چه این سازمان در هماهنگی کردن اجماع دول عضو بر یک ایده واحد به توفیق چندانی دست نیافته ولی این موضوع اهمیت مسأله و لزوم جرم‌انگاری پدیده مورد بحث را انکار نمی‌کند. در گستره منطقه‌ای، اروپا نیز در وادی عمل قدم نهاده و اقداماتی عملی و مؤثر انجام داده و ممنوعیت مطلق همه گونه‌های همانندسازی را مقرر نموده است. به تبع نهادهای فراملی، برخی دولت‌ها به‌ویژه کشورهای صاحب این تکنولوژی، گام‌های مؤثرتر و عملی‌تر برداشته و اقدام به جرم‌انگاری شبیه‌سازی نموده‌اند. کشور ایران که در زمره معدود کشورهای صاحب این تکنولوژی است

به نظر می‌رسد از نظر حقوقی اقدامات مناسب و متناسبی انجام نداده، در این زمینه از حرکت بازمانده است. در این نوشتار پس از بررسی اجمالی دیدگاه قانونگذار ایران به شبیه‌سازی انسان، ضرورت جرم‌انگاری این پدیده به استناد برخی دلایل مورد مطالعه قرار گرفته است.

الف - شبیه‌سازی انسانی و پیامدهای اخلاقی

۱- وجود پرسش‌هایی اساسی اما بدون پاسخ

پیشرفت‌های روزافزون علم پزشکی در کنار فوایدش، نگرانی‌های حقوقی و اخلاقی فراوانی را به همراه داشته است. شبیه‌سازی به‌عنوان یکی از مکشوفات حوزه پزشکی و بیولوژی، با توجه به ماهیت و ابعاد آن، علی‌رغم اینکه به یک بحث جهانی تبدیل شده است، هنوز جزئیات مبهم و تاریکی را پیش روی دارد. جهان دانش علی‌رغم پیشرفت‌ها و تجربیاتی که در زمینه همانندسازی غیرمولد (تحقیقاتی و درمانی) کسب کرده هنوز تجربه کافی و قابل قبولی در مورد شبیه‌سازی مولد انسان به‌دست نیاورده است و تمام اخبار منتشر در این مورد به‌صورت رسمی نبوده و به اثبات نرسیده است؛ اما این به معنی تضمین عدم وقوع چنین امری نیست، چه بسا مؤسسات و افرادی به‌صورت مخفیانه و غیررسمی مبادرت به این کار نموده باشند. اکنون چند سؤال مهم و حیاتی به ذهن متبادر می‌شود:

اگر شخص یا اشخاصی اعم از حقیقی و حقوقی اقدام به همانندسازی انسان کنند چه تمهیدات قانونی در برخورد با این افراد وجود دارد؟ آیا مقرراتی برای مواجهه با اقدام‌کنندگان و دست‌اندرکاران تکنولوژی فوق در قانون موضوعه در نظر گرفته شده است؟ اگر مقرراتی وجود دارد تا چه حد رسا و جامع است و اگر چنین قوانینی نداشته باشیم چه باید کرد و در مقابل این عمل و عاملین آن چه

عکس‌العملی باید نشان داد؟ آیا باید چشم‌ها را برهم نهاد و به دیده اغماض نگریست یا باید دست به اقدامی بزنیم که فاقد پشتوانه قانونی است؟ و بسیاری پرسش‌هایی از این دست وجود دارد که دستگاه حقوقی و قانونگذار نمی‌تواند نسبت به آنها بی‌تفاوت مانده، موضع سکوت اختیار کند.

در زمان نگارش این مقاله بعید نیست که افراد یا مراکزی در کشور، در ذهن خود در حال پردازش ایده شبیه‌سازی انسان باشند و چه بسا مقدماتی را هم تدارک دیده، و در میدان عمل نیز پای نهاده باشند. این تصور و احتمال حدوث آن، مسئولیت مقنن ایرانی را بیش از پیش آشکار کرده، و ضرورت توجه و اقدام عاجل در رفع این خلأ بزرگ قانونی را روشن‌تر می‌کند.

۲- یک پاسخ احتمالی

در بررسی حقوق موضوعه و قوانین موجود کشور، قانون یا مصوبه‌ای که صریحاً به همانندسازی مولد انسان و یا حتی همانندسازی غیرمولد (تحقیقاتی - درمانی) پرداخته باشد، یافت نگردید. بدین ترتیب چنانچه فرد یا افرادی به شبیه‌سازی انسان مبادرت ورزند از نظر مبانی قانونی و اصول حقوقی نمی‌توان برخوردی قانونی با آنان کرد، چرا که با عنایت به اصل اساسی «قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها» نمی‌توان عملی را بدون وجود عنصر قانونی جرم تلقی کرد و برای آن مجازات در نظر گرفت و فعل یا ترک فعلی را می‌توان واجد عنوان مجرمانه تصور نمود که قانونی مقدم بر آن تصویب شده باشد که در آن قانون فعل یا ترک فعل مورد نظر جرم قلمداد گردیده، برای آن مجازات تعیین شده باشد.

شاید برخی چنین استدلال کنند که با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی که اشعار

می‌دارد:

«قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد» می‌توان در موارد مقتضی حکم قانونی را استخراج کرده و دست به عکس‌العمل قانونی زد. در پاسخ این دسته باید گفت: از یک سوی اصل مذکور بیشتر ناظر به موارد و موضوعات مدنی است و در صورت پذیرش شمول آن جهت مسائل کیفری هم برای مسائل جزئی و موردی است نه پدیده‌ای با این وسعت و گستردگی، با زوایای مبهم و نتایج فراگیر و تأثیرگذار. دیدگاه‌های علما و نظرات فقهای اسلامی و پاسخ‌ها و فتاوی متفاوت و گاه متضاد توأم با تردید آنها در مواجهه با مسائل گوناگون این تکنولوژی، خود دلیل دیگری بر عدم کفایت این پاسخ است.

۳- پیامدهای اخلاقی و مفاسد موجود

در زیر پیامدهای اخلاقی دلایلی کلی در راستای ضرورت جرم‌انگاری شبیه‌سازی انسان مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

تاریخ بشریت موارد متعددی از عدم رعایت موازین اخلاقی و حقوقی در زمینه‌های مختلف، به‌خصوص حوزه تحقیقات زیست پزشکی را در خاطره خود دارد. برای نمونه می‌توان به اعمال غیراخلاقی نازی‌ها در انجام تحقیقات جنایتکارانه بر روی زندانیان در جنگ جهانی دوم اشاره کرد که اقدامی شرم‌آور و وحشیانه در تاریخ تحقیقات بالینی تلقی می‌گردد که پس از آن اعلامیه نورنبرگ جهت برقراری موازین اخلاقی در پژوهش بر روی انسان‌ها به تصویب رسید. (عباسی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۰). با وجود این تجربیات تلخ، بدون تردید، شبیه‌سازی با مسائل اساسی پیرامون خود که در رأس آن موضوعاتی چون مسأله

ماهیت، شخصیت و کرامت آدمی قرار دارد، نگرانی‌هایی را در زمینه تعدی به اصول و حدود اخلاقی و شأن انسانی در میان اندیشمندان رشته‌های مختلف به‌خصوص حوزه اخلاق به همراه داشته است، به‌گونه‌ای که جمع کثیری از اندیشمندان این حوزه با ذکر دلایلی، موضع مخالف در قبال همانندسازی اتخاذ کرده‌اند. در زیر به برخی از این موارد اشاره شده است.

۱-۳- نقص کرامت انسانی

بسیاری از قوانین و مقررات و عمده اصول اخلاقی از قبیل اخذ رضایت، اصل مالکیت، اصل احترام به زندگی و حتی از اهداف اساسی رسالت انبیا و امامت اولیاء (علیهم‌السلام) به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در راستای شناخت شأن آدمی و حفظ کرامت انسان‌هاست. بنابراین حق کرامت آدمی یکی از حقوق اصیل و قابل احترام افراد است، اما باید دانست که این حق کرامت با تکلیف توأمان است همچون حق حیات که انسان در پیشگاه خداوند متعال مکلف به پاسداری از آن می‌باشد. بدین ترتیب احترام و حفظ شأن و کرامت افراد نه تنها بر دیگران، بلکه بر خود فرد نیز واجب است و هیچ انسانی نمی‌تواند از حق حرمت و کرامت خود صرف‌نظر کند. این حق اساسی از نظر مفهومی دارای چنان گستردگی و وسعتی است که می‌تواند بسیاری از مطالعات ژنتیکی را محدود سازد. صرف‌نظر از ممنوعیت مطالعات و تحقیقاتی که بدون رضایت فرد انجام می‌شود و ناقض اصل استقلال و اجازه است، اقدامات همراه با رضایت فرد نیز چنانچه نافی اصل کرامت بشری و شأنیت آدمی باشد، فاقد وجهت لازم و ناقض اصول اخلاقی است. به بیان دیگر، اصل رضایت و اجازه و آزادی اراده با تمام اهمیت و منزلتی که در بسیاری از اقدامات حقوقی و زیست‌شناختی دارند، محکوم اصل کرامت انسانی هستند. بنابراین آدمی به لحاظ اخلاقی نمی‌تواند به‌گونه‌ای از مطالعات و مداخلات

ژنتیک مربوط به ژنوم خود و یا هر اقدام و تحقیقی که حرمت و کرامت وی را مخدوش می کند رضایت دهد؛ همچنان که دیگری نیز نمی تواند با استناد به عنصر رضایت فرد، مرتکب گونه‌هایی از مداخله شود که اصل کرامت انسانی را نادیده می‌انگارد. (محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۲۹).

شبیه‌سازی با مسائل اساسی و در رأس آن موضوعاتی چون ماهیت، ارزش و کرامت آدمی پیوند خورده است. مخالفان همانندسازی انسان معتقدند که انسان شبیه‌سازی شده دیگر از کرامت یک انسان برخوردار نیست، چرا که امکان هر گونه سوءاستفاده ابزاری از او وجود دارد و به دلیل دخالت شخص یا اشخاص در تولید وی و محفوظ دانستن حق استفاده از فرد شبیه‌سازی شده توسط این افراد، منزلت او خدشه‌دار می‌شود.

«آلوین تافلر»^۱ در کتاب «شوک آینده» از تولید نژادهای برتر در آینده سخن می‌گوید؛ و همانندسازی را باید یکی از تکنولوژی‌های مدرن در حصول این ایده دانست. واضح است تحقق این تصور، با تفاوت و تبعیض بین انسان‌ها و تعدی به اصل کرامت انسانی و برابری آدمیان همراه خواهد بود. به اعتقاد مخالفین، تجویز و شیوع این فناوری باعث تعدی به مرزهای اخلاقی خواهد شد و بسیاری از اصول اخلاقی که حامیان و نگاهبانان کرامت و منزلت انسان‌هاست تهدید خواهند شد.

۲-۳- نقص اصل رضایت

یکی از اصول اصلی اخلاق زیستی، «اصل رضایت» می‌باشد. از مسائل پیش روی فرآیند همانندسازی موضوع رضایت افراد می‌باشد. آنچه در این ایراد مطرح می‌شود، رضایت محصول شبیه‌سازی شده است؛ یعنی اینکه آیا فرد همانندسازی شده به این امر راضی بوده و نسبت به این روش خلق غیرطبیعی اجازه داده است؟ واضح است که پاسخ این سؤال نامشخص است چرا که وی در زمان انجام فرآیند

هنوز وجود نداشته و قادر به اظهار نظر نیست و بعد از تولد هم که امر مورد نظر واقع شده و خاتمه یافته است. شاید عده‌ای بگویند که در روش طبیعی نیز، جنین و کودک حاصل در تولید و تولد خود نقشی ندارد و طرح مسأله رضایت در این جایگاه بی‌مورد بوده و محلی از اعراب ندارد. در پاسخ باید گفت: مسائل مربوط به صدمات جسمانی وافر و خطرات روانی مبهم و نهفته در این شیوه تولید مثل غیرمعمول را نسبت به روش تولید مثل طبیعی که کودک همانندسازی شده را در معرض آسیب‌ها و عوارض خطرناکی قرار می‌دهد چگونه توجیه خواهید کرد؟ بنابراین با استناد به اصول اخلاقی و خطرات بالقوه و بالفعل موجود در فراروی همانندسازی، باید در خصوص این تکنولوژی تأمل بیشتری نمود و حداقل تا زمانی که زوایای پنهان آن آشکار نشده، از اقدام به آن اجتناب نمود.

در کنار مسأله رضایت کودک همانندشده، رضایت و اجازه در مورد دهنده تخمک، مادر حامل (اعم از اصلی، میانجی، اجاره‌ای) و حتی دهنده سلول جسمی هم مطرح است و موضوعی است که می‌تواند مورد تعرض و سوءاستفاده قرار گیرد.

۳-۳- استعمار زنان

یکی از دغدغه‌های حوزه اخلاق، مربوط به آینده و زنانی می‌باشد که ممکن است استعمار شوند، چه از حیث تأمین تخمک و چه از نظر میزبانی سلول تخم و پیش‌روی آن حاصل. در همانندسازی انسان، سلول تخم حاصل از امتزاج هسته سلول جسمی با تخمک بدون هسته باید در رحم مادر حامل کاشته شود تا مراحل تکاملی را طی کند. با شیوع همانندسازی انسان بعید نیست به دلیل مشکلات اقتصادی و فقر مالی، عده‌ای از زنان مستمند و بی‌چیز، جهت کسب درآمد و تمتع مالی در این وادی قدم بنهند و علی‌رغم رضایت ظاهری، انگیزه‌های مادی آنها را

به این ورطه سوق دهد که اینان باید پذیرای خطرات بالقوه جسمانی و اثرات روانی آن نیز باشند. به خصوص امکان بهره‌برداری از زنان اقلیت‌های نژادی و قومی، زندانیان و فقرا وجود دارد. افزون بر این، برخی اعمال غیرقانونی در این راستا از قبیل خرید و فروش و قاچاق زنان رونق و شدت فزاینده‌ای خواهد یافت.

۳-۴- خطرات جسمی

پژوهش‌های انجام شده بر روی حیوانات، مبین و مؤید افزایش احتمال ورود آسیب بر مادر حامل جنین شبیه‌سازی شده و حمل اوست. طبق نتایج این تحقیقات صدمات کشنده، سقط‌های خود به خودی، مرده‌زایی و ابتلا به اختلالات شدید در جنین‌های حاصل از این تکنولوژی نسبت به بارداری‌های طبیعی شایع‌تر است. (جینیسچ، ویلموت، ۲۰۰۱، ص ۲۵۵۲). آکادمی علوم آمریکا طی پژوهش‌ها و مطالعات بر روی حیوانات نتیجه گرفته است که همانندسازی انسان نیز به‌طور مشابهی خطرات متعدد جسمانی برای کودک شبیه‌سازی شده و صدمات جسمانی و خطرات روانی برای مادران حامل این کودکان به همراه خواهد داشت (آکادمی ملی علوم، ۲۰۰۲، ص ۳). بسیاری از دانشمندان، یکی از زوایای خطرناک شبیه‌سازی انسان را ایجاد محصولات ناقص‌الخلقه می‌دانند. واقعیت این است که برخلاف توصیفات ساده‌ای که از روند همانندسازی صورت می‌گیرد، این فرآیند بسیار پیچیده و حساس است و احتمال بروز نقایص فیزیکی و اختلالات ژنتیکی در کنار سایر مسائل نهفته در این پدیده وجود دارد. برخی از محققان احتمال تغییرات ژنتیکی در هسته سلول جسمی اهدایی از فردی که سال‌ها عمر کرده و در معرض انواع آلاینده‌ها و مواد خطرآفرین بوده را مطرح کرده‌اند که در صورت استفاده از هسته سلول جسمی این شخص و انجام فرآیند همانندسازی، کودک خلق شده بسیار بیشتر از نوزادی که به‌صورت طبیعی خلق می‌شود مستعد انواع جهش‌های

ژنی، سرطان‌ها و بیماری‌ها خواهد بود. بنابراین حتی در صورت سلامت خلق اولیه کودک از طریق این تکنولوژی، احتمال بروز ناهنجاری‌ها و اختلالات جسمانی و ژنتیکی در بزرگسالی در آنها بیشتر خواهد بود که در حجم وسیع و انبوه می‌تواند مشکلات متعددی را برای جامعه بشری ایجاد کند و به یک تراژدی انسانی منجر شود.

در حقیقت مطرح‌کنندگان این اشکال بر این باورند که حتی اگر ضرورت و دلایل محکمی برای انجام شبیه‌سازی انسان موجود باشد و خلق کودک از این طریق توجیه شود، باز نباید مخالف این اصل اخلاقی و انسانی بنیادین «انجام عمل بدون ایراد صدمه» باشد، (کمیسیون ملی مشاوره اخلاق زیستی، ۲۰۰۹، ص ۶۴) حال آنکه در خلق انسان از طریق این تکنولوژی، نه تنها با خطر مرگ افراد همانندسازی شده مواجهیم، بلکه ابتلا به بیماری‌ها و نقیصه‌های متعدد جسمانی و ژنتیکی را هم در پیش رو داریم.

۳-۵- دغدغه‌های روانی افزون بر مشکلات جسمانی

نگرانی روانی در خصوص کاربرد این پدیده نوظهور از دو منظر قابل طرح است. از یک سوی با مسائل روانی مربوط به کودک همانندشده و از دیگر سوی با دغدغه‌های روانی حاصل در اجتماع و خانواده روبرو هستیم. این فرآیند می‌تواند خطرات بسیاری برای کودک و حتی مادر به همراه داشته باشد و همیشه نتیجه همانندسازی مطابق خواست و انتظار والدین و مباشران آن نخواهد بود. نتایج تحقیقات و پژوهش‌هایی که تا به امروز روی حیوانات انجام شده، با مرگ و میر و نقایص بسیاری همراه بوده است و اکثر محصولات یا مرده‌اند یا مبتلا به عوارض متعدد شدیدی شده‌اند. این قبیل تحقیقات و نتایج در کنار بسیاری مطالب و حقایق دیگر مایه افزونی تشویش‌ها و نگرانی‌ها گردیده است. در فرض

موفقیت‌آمیز بودن نتایج این پژوهش‌ها روی حیوانات، باز تسری آن به آدمیان به راحتی میسر نبوده و برطرف‌کننده این دغدغه‌ها نخواهد بود. چرا که تفاوت و تنوع بین گونه‌های حیوانی با هم از یک طرف و با انسان از طرف دیگر می‌تواند نتایج متفاوت و گاه متناقضی را رقم زند.

همچنین بسیاری از اشکالات مطروحه از قبیل احساس بی‌هویتی، مبهم بودن نسبت فرد کلون شده با سایرین و نحوه تعامل و رفتار متفاوت دیگران با فرد شبیه‌سازی شده، زمینه ساز نگرانی‌های روانی - که خود مقدمه مشکلات روحی و اختلالات روانی است - در او خواهد شد. افزون بر این، غالباً خود تقیصه‌های جسمانی نیز با اختلالات عاطفی و روانی همراه هستند. بنابراین علاوه بر مشکلات جسمی، نگرانی‌های روانی و دغدغه‌های روحی نیز در صورت کاربرد این فناوری نوین وجود دارد.

۶-۳- نگرانی در مورد تولید کالاگونه انسان

یکی از نگرانی‌های اخلاقی و روانی در زمینه فرآیند همانندسازی انسان، تجاری شدن این تکنولوژی و تبدیل شدن تولید آدمی به منزله کالا و براساس سیستم عرضه و تقاضا، و به فراموشی سپرده شدن شأن و کرامت آدمی است. «لئون آرکاس» که از منتقدین اجتماعی آمریکاست می‌گوید: «شبیه‌سازی زاد و ولد را به نوعی تولید کالا مبدل می‌سازد.» (ویلسون و آرکاس، ۱۳۸۲) با شیوع این فرآیند احتمال طراحی و ساخت افراد با خصوصیات خاص، براساس اهداف و سفارشات داده شده برای گروه‌ها یا قدرت‌های مالی و سیاسی وجود خواهد داشت. براساس اصول اخلاقی هر پدیده‌ای که به کرامت بشر خدشه و خلل وارد کند، مطرود و منتفی است. زمانی که ساخت و تولید انسان، جایگزین زاد و ولد طبیعی گردد و تولید او به مثابه کالا و مطابق اصول بازار و براساس مصالح مادی و انتفاع مالی

باشد، باید شدیداً نگران ایجاد خدشه و نقصان در پیکره و شأن و کرامت انسانی بود و چه بسا مسائل مالی، جایگزین اصل اصیل کرامت انسانی گردد. امروزه تجارت و تبلیغات اهدای تخمک برای شیوه لقاح خارج رحمی از طریق آگهی‌های رسانه‌ها با صرف مبالغ بسیار بالا، خود جلوه‌ای است که بر این نگرانی‌ها می‌افزاید و دور از انتظار نخواهد بود که با رواج این فناوری، بازار خرید و فروش تخمک، هسته، رحم و اعضای بدن، به سان کالا به لیست عناصری که خرید و فروش می‌شوند بپیوندد.

۷-۳- سایر مفساد و آثار سوء

مخالفین همانندسازی انسان برای مخالفت خود به براهین دیگری نیز توسل جسته‌اند که از جمله این دلایل می‌توان به تهدید ساختار خانواده و روابط فامیلی، مفساد اجتماعی، خطر استثمار انسان‌های همانند شده، مشکلات مربوط به هویت و تمایز فردی، بهم خوردن نسبت جنسی، کمرنگ شدن نقش مردانه، نگرانی در مورد وقوع اصلاح نژادی و... اشاره کرد. در این جا یادآور می‌شود گرچه برخی دلایل از نظر مبنایی سست بوده و فاقد پشتوانه استدلالی قوی می‌باشند، ولی بعضی دیگر در جای خود قابل تأمل و محل دقت می‌باشند.

ب - شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه فقهای اسلامی

به‌طور کلی فقهای اسلامی در خصوص همانندسازی آدمی، با اقامه دلایل متعددی از قبیل نقض کرامت انسانی، تزلزل در باورهای دینی، تضعیف نظام خانواده، بهم خوردن نسب وارث و... آن را منع کرده، حرام می‌دانند و این مسأله را در بیانیه و فتاوی متعددی آورده‌اند (محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۱۸). ولی غالب علمای اسلامی اعم از شیعه و سنی، استفاده درمانی و پژوهشی از شبیه‌سازی را بلاشکال دانسته‌اند.

۱- فقهای عامه

اکثر فقهای اهل سنت با استناد به دلایل متعدد و در رأس آن دلایل کلامی از قبیل دخالت در کار خدا، افساد در زمین و در حکم محارب بودن، تغییر سنت تنوع و خلق و ایجاد خلل در باور مسلمانان، حرمت همانندسازی را نتیجه گرفته‌اند و از طریق صدور فتوا و قطعنامه و بیانیه، عکس‌العمل نشان داده‌اند.

برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «مجمع تحقیقات اسلامی»^۲ وابسته به دانشگاه الازهر و یکی از بالاترین مراجع دینی اهل سنت طی بیانیه‌ای فتوا به حرمت این کار داد و از دولت‌های جهان خواست تا مانع هرگونه شبیه‌سازی انسانی شوند.^۳ «شورای اروپایی افتاء و تحقیقات»^۴ این کار را حرام شمرده است.^۵ «مجمع فقه اسلامی»^۶ در بیانیه نهایی خود پس از مقدمه‌ای درباره جایگاه انسان در هستی و موافقت اسلام با طلب علم و دانش و با عنایت به بحث‌های مطرح شده در شورای مجمع، تحریم شبیه‌سازی انسانی به کمک دو شیوه یاد شده [شبیه‌سازی جنین با استفاده از سلول تخم یا زیگوت طبیعی و شبیه‌سازی غیرجنسی] یا به هر شیوه دیگری که به افزایش انسانی بینجامد را مقرر می‌دارد.

از مجموع دلایل کلامی و براهین ارایه شده و فتاوی صادره از سوی علمای سنی در تحریم و رد شبیه‌سازی چنین تصور می‌شود که از دید عالمان این مذهب حرمت موضوع به قدری واضح است که باب نقد و اندیشه بر پیروان آنها در این وادی بسته شده است. خاطر نشان می‌شود علی‌رغم مخالفت اکثریت عالمان سنی با شبیه‌سازی انسان، بعضی از اهل سنت در برخی موارد استثنایی مانند درمان نازایی‌ها، مشروط بر حصول اطمینان از عدم زیان‌آور بودن این تکنولوژی، آن را مجاز شمرده‌اند.

۲- فقهای شیعه

برخلاف اهل تسنن، اکثر فقهای شیعه عمل همانندسازی مولد را ذاتاً جایز می‌دانند به گونه‌ای که اصل جواز در میان فقهای شیعه مورد اتفاق است، اما به دلیل تبعات و اثرات منفی آن مانند از بین رفتن هویت خانوادگی، نامعلوم بودن نسب کلون‌ها و نگرانی از پیامدهای اخلاقی و مفاسد اجتماعی حکم به حرمت آن شده است. در بررسی نظرات علما و فتاوی فقهای شیعی در خصوص همانندسازی انسان به نظرات متفاوت و گاه متضادی برمی‌خوریم، بدین معنی که عده‌ای مبادرت به این تکنولوژی را کاملاً مجاز شمرده‌اند اما برخی دیگر، کاربرد این فناوری را حرام دانسته‌اند. به‌طور کلی دیدگاه عالمان تشیع را در قبال همانندسازی انسان می‌توان در چهار طبقه دسته‌بندی کرد:

۱-۲-۲- جواز مطلق: برخی به دلیل عدم وجود نص بر حرمت شبیه‌سازی و به استناد «اصل اباحه» آن را مجاز شمرده‌اند.

۲-۲-۲- جواز محدود: گروهی آن را مجاز دانسته‌اند اما بر این عقیده‌اند که انجام گسترده آن مشکلاتی ایجاد خواهد کرد و مفاسدی به همراه خواهد داشت. بنابراین حکم به جواز موردی داده‌اند و کاربرد آن را در سطح وسیع و گسترده غیرمجاز شمرده‌اند.

۳-۲-۲- حرمت ثانوی: جمعی از فقهای شیعی، شبیه‌سازی انسان را ذاتاً حرام نمی‌دانند و بنابر اصل اباحه جایز می‌شمارند، اما از آنجا که انجام آن همراه با مفاسد و خطرات می‌باشد، برای پیشگیری از بروز مفاسد و اجتناب از خطرات موجود، آن را به صورت ثانوی حرام می‌دانند.

۴-۲-۲- حرمت اولی: عده قلیلی از اندیشمندان شیعه، همانندسازی انسان را فی نفسه حرام می‌دانند.

علیرغم این دسته‌بندی چهارگانه و اختلاف نظرها، ولی وزنه غالب و نظر اکثر فقها متوجه ممنوعیت همانندسازی انسان است. به بیان دیگر گرچه با استناد به اصل برائت، در بدو امر بسیاری از اندیشمندان اسلامی حکم به اباحه ظاهری و ذاتی آن داده‌اند و موافقین تجویز شبیه‌سازی در این میان به برخی کاربردها و کارکردهای این تکنولوژی نیز اشاره می‌کنند، اما در نهایت، جمع کثیری از فقهای مسلمان علی‌رغم اباحه اولیه و ذاتی قائل به حرمت ثانوی آن هستند. اینان به استناد پیامدهای سوء و مفسد بالقوه و بالفعل تجویز این فرآیند از قبیل اختلاط انساب و قرابت‌ها، تزلزل در نظام خانواده، اختلال در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و... همچنین به دلیل لزوم حفظ جان انسان‌ها و صیانت از کرامت آدمی و به اعتبار «قاعده لاضرر»، لزوم ممنوعیت این فرآیند را حداقل تا روشن شدن تمام جوانب موضوع و برطرف گردیدن خطرات موجود و حصول اطمینان کافی در این زمینه، ضروری می‌دانند.

در اینجا خاطر نشان می‌شود که باید بین همانندسازی مولد انسان و غیرمولد تفاوت قایل شد و بحث حرمت ثانوی و تحریم شبیه‌سازی مربوط به نوع مولد انسان می‌باشد و همانندسازی نوع غیرمولد و تحقیقات مربوط به این تکنولوژی، با توجه به کاربردهای متعدد و متنوع و فواید کثیرش، با عنایت به مبانی فقهی و دینی و اخلاق اسلامی قابل تجویز می‌باشد، لیکن برای جلوگیری از انحراف آن و تعیین محدوده‌های مجاز لازم است با پیش‌بینی مقررات و آیین‌نامه‌های لازم، ضابطه‌مند و قابل کنترل گردد.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت: غالب عالمان اسلامی اعم از شیعه و سنی مخالف همانندسازی انسان می‌باشند گرچه دلایل این دو گروه برای تحریم همانندسازی تا حد زیادی متفاوت از هم می‌باشد؛ بدین ترتیب که اهل سنت

عمدتاً به دلایل کلامی^۶ استناد می‌ورزند حال آنکه عمده دلایل مخالفت علمای شیعه، دلایل فقهی^۷، مشکلات اجتماعی و براهینی از این دست می‌باشد.

ج - شبیه‌سازی انسانی و عملکرد جامعه جهانی در قبال آن

در این قسمت سیاست کیفری و عملکرد جامعه جهانی در مواجهه با شبیه‌سازی به ترتیب در گستره جهانی، منطقه‌ای و ملی (حقوق داخلی کشورها) به اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- گستره جهانی

در اواخر دهه نود میلادی بود که بحث در مورد همانندسازی در سطح جهانی رونق گرفته و سازمان‌ها و محافل بین‌المللی مبادرت به اتخاذ موضع نمودند. در رأس این نهادها و سازمان‌های بین‌المللی می‌توان به سازمان جهانی بهداشت^۸، سازمان آموزشی، علمی، فرهنگی ملل متحد (یونسکو)^۹ و مجمع سازمان ملل متحد اشاره کرد.

سازمان جهانی بهداشت در مورد شبیه‌سازی انسان دو قطعنامه صادر کرده است. از براهین و مبانی استدلالی مهم مندرج در این قطعنامه‌ها، مسائل و اصول اخلاقی و نایمن بودن این فرآیند می‌باشد. در هر دو این قطعنامه‌ها، همانندسازی انسان در تضاد با شأن و کرامت انسانی و در تناقض با اصول اخلاقی تلقی شده و مردود اعلام گردیده است. در قطعنامه دوم به سال ۱۹۹۸، با برشمردن تعدادی از اسناد و مدارک بین‌المللی مرتبط و توجه دادن به تحقیقات انجام شده روی حیوانات، در خاتمه، همانندسازی را فرآیندی که برای بشر خطرناک بوده و فاقد امنیت است معرفی می‌کند. مقدمه قطعنامه مذکور، به مسائل اخلاقی و مشکلات ایمنی، نه فقط برای افراد بلکه برای نسل‌های آتی اشاره می‌کند و در متن قطعنامه از دولت‌ها

می‌خواهد که به بحث و مذاقه در این زمینه پردازند و برای ممنوعیت این تکنولوژی، دست به اقدام بزنند و تدابیر حقوقی و قضایی مناسب برای منع شبیه‌سازی انسان تدارک ببینند. بنابراین می‌توان گفت علی‌رغم مخالفت کلی سازمان بهداشت جهانی با این پدیده، در عمل، تصمیم‌گیری در این باره به دولت‌ها واگذار شده است.

یونسکو تاکنون در مورد علوم زیستی و ژنوم انسانی و اخلاق زیستی سه اعلامیه صادر کرده است که یکی از آنها - اعلامیه جهانی درباره ژنوم و حقوق بشر در ۱۱ نوامبر ۱۹۹۷ - مقررهای درباره شبیه‌سازی انسان دارد. در ماده یازده اعلامیه مذکور در خصوص همانندسازی آمده است: «اعمالی که مغایر کرامت انسانی هستند از قبیل همانندسازی مولد انسان نباید اجازه داده شود.» همچنین در ادامه از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار برای شناسایی چنین اعمالی و اتخاذ تدابیر لازم در سطح ملی و بین‌المللی جهت حصول اطمینان و تضمین رعایت اصول مندرج در این اعلامیه، دعوت به همکاری نموده است.

مجمع عمومی سازمان ملل نیز با توجه به درخواست برخی کشورها در پنجاه و ششمین اجلاس مجمع، موضوع تهیه کنوانسیون بین‌المللی علیه شبیه‌سازی انسان را در دستور کار قرار داد و در همان جلسه «کمیته ویژه بررسی تهیه کنوانسیون بین‌المللی علیه شبیه‌سازی انسان» را تأسیس کرد و از این کمیته خواست، گزارش کار خود را در پنجاه و هفتمین اجلاس مجمع عمومی ارائه دهد؛ همچنین توصیه شد این امر در چارچوب یک کارگروه در کمیته ششم مجمع ادامه یابد.

نتایج بررسی‌ها: در این کمیته ویژه، همچنین در گروه کاری کمیته ششم مواضع دول عضو سازمان ملل مورد بررسی قرار گرفت. تقریباً همه دولت‌ها بر ممنوعیت شبیه‌سازی انسان اتفاق نظر داشتند - که خود حاکی از نگرانی جوامع در حوزه‌های

مختلف و ترس از مفاسد و تبعات منفی منتج از کاربرد این تکنولوژی بود - ولی در خصوص محدوده این ممنوعیت، اختلاف عقیده وجود داشت. حاصل تعاطی افکار و تبادل نظرات، پیشنهاد و تنظیم دو پیش‌نویس بود که در هر دو با اشاره به اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر (۱۹۹۷)، به منظور پیشگیری از خطرات موجود و حفظ تمامیت و کرامت انسانی و شئون بشری، خواستار منع همانندسازی شده بودند. با این تفاوت که یکی منع جزئی و دیگری منع کلی را توصیه کرده بود:

* طرح L.8: پیش‌نویس قطعنامه‌ای که خواستار تهیه کنوانسیون برای منع شبیه‌سازی انسان بود.^{۱۱}

* طرح L.3: پیش‌نویس قطعنامه‌ای که پیشنهاد می‌کرد کنوانسیون برای منع مطلق همه گونه‌های شبیه‌سازی تهیه شود.^{۱۲}

در خاتمه، کمیته ششم علی‌رغم تنوع اندیشه‌ها و تقابل افکار و دیدگاه‌ها در طرح‌های پیشنهادی در خصوص دامنه و محدوده شبیه‌سازی، در گزارش خود فقط ممنوعیت همانندسازی مولد انسان را در قالب معاهده بین‌المللی به مجمع عمومی سازمان ملل پیشنهاد داد. سرانجام در ۲۳ مارس سال ۲۰۰۵ مجمع عمومی سازمان ملل با یادآوری قطعنامه ۵۳/۱۵۲ خود در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۹۸ - که در آن از اعلامیه جهانی راجع به ژنوم انسانی و حقوق بشر حمایت کرده بود - اعلامیه ملل متحد در مورد شبیه‌سازی انسان^{۱۳} را با اکثریت ۸۴ رأی موافق در مقابل ۳۴ رأی مخالف و ۳۷ رأی ممتنع به تصویب رساند. در مقدمه این اعلامیه با تأکید بر اهمیت توجه به مسائل و اصول اخلاق زیستی و خطرات مطروحه برای حقوق بشر و شأن و کرامت انسانی و آرزوهای اساسی افراد و اشاره به کاربرد علوم زیستی و هدف اصول اخلاقی که همان کاهش درد و رنج انسان‌ها و سلامتی و آرامش

بشریت است و با تأکید بر اینکه پیشرفت علمی و فنی در علوم زیستی باید به گونه‌ای تعقیب شود که احترام به حقوق افراد را خدشه‌دار نسازد و در راستای منافع عموم بشر باشد و در خاتمه ضمن توجه دادن به ضرورت پیشگیری از خطرات بالقوه همانندسازی انسان در مورد کرامت آدمی، بندهایی اجرایی را توصیه نموده است. در بخش‌های اجرایی اعلامیه مذکور از دولت‌های عضو خواسته شده است که:

- تمام اقدامات لازم را برای حمایت کافی از حیات انسانی در کاربرد علوم زیستی به عمل آورند.
- تمام اشکال شبیه‌سازی را مادامی که با کرامت بشری و حمایت از حیات انسانی مغایرت دارد، ممنوع کنند.
- اقدامات لازم را برای پیشگیری از استثمار زنان در کاربرد علوم زیستی به عمل آورند.
- تدابیر لازم را برای وضع و اجرای قوانین ملی در راستای اثر بخشیدن به بندهای فوق به عمل آورند.

۲- گستره منطقه‌ای

تاکنون تلاش‌ها و عکس‌العمل‌های فراملی در سطح منطقه‌ای از موفقیت بیشتری نسبت به عرصه جهانی برخوردار بوده است. در عرصه منطقه‌ای هم، اروپا در اتخاذ رویکرد مناسب در قبال فرآیند همانندسازی، نه فقط از جنبه نظری و انتزاعی صرف، بلکه در وادی عمل نیز گوی سبقت را از دیگر مجامع ربوده است و اقدام به تهیه پروتکلی اختیاری نموده تا در قالب قواعد حقوقی، تعهدات مشخصی را به صورت عملی به کشورهای اروپایی تکلیف نماید.

پارلمان اروپا یکی از ارکان اتحادیه اروپا می‌باشد که تاکنون چند مصوبه توسط این پارلمان در خصوص شبیه‌سازی انسان صادر کرده است. این پارلمان ابتدا در سال ۱۹۹۶ میلادی خواستار منع ایجاد نطفه‌های انسانی برای تحقیقات و پژوهش‌های زیستی شد. در سال ۱۹۹۷ با انتشار خبر تولد اولین گوسفند شبیه‌سازی شده - دالی - توسط مؤسسه روزلین، این پارلمان همگام و حتی جلوتر از بسیاری سازمان‌های بین‌المللی، اولین قطعنامه خود را با ابراز نگرانی از همانندسازی گوسفند دالی در مؤسسه مذکور، در مخالفت و منع همانندسازی انسان صادر کرد. در این قطعنامه، پارلمان اروپا نه تنها همانندسازی انسان، بلکه تمامی اشکال شبیه‌سازی را ممنوع اعلام کرده، خواستار تعیین مجازات برای اقدام‌کنندگان آن شد.

پارلمان اروپا شبیه‌سازی را تحت هر شرایط و با هر هدف و توسط هر اجتماع و گروهی، غیرقابل توجیه دانسته، ممنوع اعلام می‌کند، چراکه آن را ناقض حقوق اساسی انسان و مخالف شأن و منزلت آدمی می‌داند. به اعتقاد اعضای این پارلمان، تجویز شبیه‌سازی، امکان بهسازی نژادی و احتمال انتخاب نژادهای خاص را فراهم ساخته، با اصل اخلاقی تساوی و برابری انسان‌ها در تضاد است؛ همچنین باعث تعدی به حقی که هر فرد نسبت به هویت ژنتیکی خود دارد می‌شود. بدین خاطر به مخالفتی همه جانبه با این تکنولوژی نوین که مستلزم آزمایش بر روی انسان‌ها می‌باشد به‌پاخاسته‌اند. این پارلمان در راستای عملی کردن ممنوعیت همانندسازی خواستار تشکیل گروه‌های اخلاقی و کمیته‌های نظارتی و اجرایی و هر اقدام لازمی شده است.^{۱۴} تقریباً همین موارد و نکات با کمی تغییرات در مصوبات بعدی در سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ تکرار شد.^{۱۵}

از دیگر ارکان اتحادیه اروپا، شورای اروپا می‌باشد که از دهه هشتاد میلادی به‌صورتی کاملاً قانونمند و علمی به مسائل و موضوعات اخلاق زیستی و از جمله همانندسازی عنایت داشته، توصیه‌نامه و اسناد مختلفی را تهیه و تصویب کرده است. مانند:

* توصیه‌نامه ۲۴،۱۰۴۶ سپتامبر ۱۹۸۶: درباره استفاده از نطفه‌ها و جنین‌های انسانی برای مقاصد تشخیصی، درمانی، علمی، صنعتی و تجاری.^{۱۶}

* توصیه‌نامه ۲،۱۱۰۰ فوریه ۱۹۸۹: درباره استفاده از نطفه‌ها و جنین انسان در پژوهش‌های علمی.^{۱۷}

* نظریه شماره ۲۰۲،۲۳ سپتامبر ۱۹۹۷: درباره پیش‌نویس پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق بشر و زیست پزشکی درباره ممنوعیت شبیه‌سازی انسان‌ها.^{۱۸}

* دستور شماره ۵۳۴، ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۷: درباره تحقیق روی انسان‌ها و شبیه‌سازی آنها.^{۱۹}

در حقیقت، تنها اسناد الزام‌آوری که به‌صورت معاهده در حقوق بین‌الملل وجود دارند و به‌طور مستقیم به این مسائل پرداخته‌اند، توسط این شورا تصویب شده‌اند. (موثق، ۱۳۸۶، ص ۱۴۰). شورای اروپایی براساس گزارش و نظر مشورتی گروه مشاوران کمیسیون اروپایی به این کمیسیون در خصوص زوایا و جوانب اخلاقی همانندسازی،^{۲۰} در سال ۱۹۹۷ شبیه‌سازی انسان را در اروپا ممنوع اعلام کرده و خواستار اقدام دول عضو برای اتخاذ عملکرد لازم در این راستا شدند. از مطالعه اسناد و مصوبات شورای اروپا درباره شبیه‌سازی انسان، چنین برمی‌آید که این شورا شبیه‌سازی مولد انسان را قاطعانه ممنوع اعلام کرده و غیرمجاز دانسته است اما این صراحت در مورد همانندسازی غیرمولد (تحقیقاتی - درمانی) وجود ندارد و در برخی قطعنامه‌ها همراه با ابهام و تردید است.

۳- گستره ملی (حقوق داخلی کشورها)

همگام با عکس‌العمل‌های گوناگون در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای، برخی دولت‌ها به‌ویژه کشورهای صاحب این تکنولوژی، گام‌های مؤثرتر و عملی‌تری در زمینه جرم‌انگاری شبیه‌سازی برداشته‌اند؛ اگر چه رویکرد دولت‌ها از منع همه‌جانبه این تکنولوژی و ممنوعیت همه اشکال آن تا تحریم صرف همانندسازی انسان متغیر بوده است. کشور استرالیا «قانون منع شبیه‌سازی انسان»^{۲۱} در سال ۲۰۰۲ تصویب کرد که یک سال بعد قدرت اجرایی یافت. در این قانون در کنار سایر عناوین مجرمانه، خلق عمدی جنین یا رویان همانندشده جرم محسوب شده و مرتکب آن مستحق مجازات خواهد بود در حقیقت، قانون مزبور نه تنها شبیه‌سازی انسان را ممنوع و واجد وصف مجرمانه دانسته است، بلکه از آنجا که تعریفی از شبیه‌سازی ارائه نشده و به نوع خاصی از آن هم اشاره نکرده است، این ممنوعیت قابل تسری به سایر گونه‌های شبیه‌سازی هم می‌باشد. ژاپن در سال ۲۰۰۰ با تصویب قوانین لازم، به جرم‌انگاری شبیه‌سازی انسان پرداخته است. مقنن ژاپنی ممنوعیت جایگزینی هر رویان خاص در رحم یک زن را تصویب کرده است. از آنجا که رویان شبیه‌سازی شده نیز در زیر مجموعه رویان خاص قرار می‌گیرد بنابراین منع شبیه‌سازی را می‌توان استنتاج نمود و با توجه به عبارات و انشاء آمده در قانون مورد بحث، که شبیه‌سازی تا مرحله قبل از انتقال به رحم را صریحاً ممنوع اعلام نکرده است، نمی‌توان سایر گونه‌های شبیه‌سازی را واجد وصف مجرمانه دانست. لکن به‌طور متقن می‌توان گفت که در این قانون، شبیه‌سازی انسان جرم تلقی شده و مرتکب آن مجرم خواهد بود. انگلستان نیز پس از افت و خیزهای فراوان، سرانجام در سال ۲۰۰۱ «قانون شبیه‌سازی تولید مثلی انسان»^{۲۲} مبنی بر ممنوعیت همانندسازی انسان را تهیه و تصویب نمود. این قانون انتقال و

جایگزینی هرگونه رویان انسانی حاصله از روشی غیر از تلقیح را فعلی جنایی تلقی کرده و مجازات حبس یا جزای نقدی برای آن پیش‌بینی کرده است. ایالات متحده امریکا «قانون منع شبیه‌سازی انسان و حمایت از تحقیقات سلول‌های بنیادین»^{۲۳} را در سال ۲۰۰۲ به تصویب سنا رساند که پس از برخی اصلاحات در سال ۲۰۰۳ به تصویب کنگره رسید. در این قانون، شبیه‌سازی انسان صریحاً جرم معرفی شده و هر شخص حقیقی یا حقوقی که به آن مبادرت ورزد با برخورد دستگاه کیفری مواجه خواهد شد. در سطح ایالتی، برخی ایالات^{۲۴} پا فراتر نهاده، تمام گونه‌های شبیه‌سازی را قانونگذاری کرده‌اند. کشورهای پیشرفته دیگری چون فرانسه، آلمان، ایتالیا و... نیز در این حوزه اقدامات و فعالیتهای قابل توجهی هم در عرصه بین‌المللی و هم ملی انجام داده‌اند. حتی مقنن فرانسوی اخیراً مجازات‌های شبیه‌سازی را تشدید کرده است. (عباسی، ۱۳۸۶، ص ۵۲).

در عرصه حقوق داخلی برخی کشورها به‌خصوص غالب کشورهای صاحب تکنولوژی شبیه‌سازی، در حوزه حقوق و قانونگذاری وارد عمل شده و در راستای جرم‌انگاری شبیه‌سازی، اقدامات عملی و مؤثری را انجام داده‌اند و تقریباً جملگی، شبیه‌سازی انسان را ممنوع کرده‌اند.

از این‌رو به نظر می‌رسد نکات اصولی و راهکارهای عملی ذیل باید در حقوق داخلی مورد توجه قرار گیرد.

انجام گفتگوهای کارآمد و سازنده، منظم و مدون، همراه با شرکت عالمان رشته‌های مختلف، می‌تواند بسیاری از ابهامات اعتقادی موجود پیرامون موضوع را برطرف کند و باعث وضوح بیشتر مطالب گردد و نهایتاً باعث تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر و صحیح‌تر شده و با پخته‌تر و نزدیک‌تر کردن نظرات و ایده‌ها، راه پیشرفت این تکنولوژی جدید را هموار خواهد ساخت. در اینجا خاطر نشان می‌شود

که صرف برگزاری چند همایش یا گردهمایی غیرمتمرکز و برخی استعلامات و استفتائات پراکنده و غیرمنسجم، کمک شایانی به حل مسائل نخواهد نمود چه بسا دامنه اختلافات و تشتت آرا گسترده‌تر شده و بر ابهامات افزوده گردد.

علما و اندیشمندان هر حوزه باید قبل از ورود به مباحث شبیه‌سازی، با مفاهیم و اصطلاحات پایه و کلیات موضوع به‌طور دقیق آشنا شوند. این امر باعث خواهد شد که کارشناسان با اندوخته‌ای کافی و درکی درست، وارد موضوعات مورد بحث شده، استنتاج صحیح و اظهارنظری صریح نمایند. برای مثال می‌توان به برخی گفت‌وگوها با فقها اشاره کرد که پاسخ‌ها و نظرات ارایه شده براساس توضیحات پرسشگر در مورد شبیه‌سازی، بوده است. بدیهی است چنین اظهارنظرها نیز با اما و اگر و احتیاط همراه خواهد بود.

گرچه بسیاری از قوانین مربوط به پیشرفت‌های دانش بشری بعد از طی سالیان متمادی از ظهور آنها وضع شده‌اند، ولی چنانچه این فاصله زمانی بین ظهور پدیده‌ها و وضع قوانین لازم زیاد شود، به‌خصوص در مورد فرآیندهایی با وسعت و گستردگی وافر نظیر شبیه‌سازی، می‌تواند پیامدهای خطرناکی داشته باشد. بنابراین نه تنها شایسته است پس از بحث و تحقیق در مورد جنبه‌های گوناگون موضوع، مقررات و ملزومات لازم تهیه و تصویب شود، بلکه نیازمند سرعت عمل در این خصوص نیز می‌باشد.

با عنایت به مفاسد موجود و مخاطرات بالفعل و بالقوه همانندسازی انسان، جرم‌انگاری این پدیده و ممنوعیت مطلق همانندسازی انسان حداقل در زمان معاصر و تا وقتی که زوایا و جوانب موضوع کاملاً روشن و قابل کنترل گردد، ضرورت دارد، ولیکن باید به این نکته توجه داشت که عمده چالش‌ها و مباحثات موجود در مورد پدیده شبیه‌سازی مربوط به نوع مولد انسان است و همانندسازی مولد

غیرانسان (حیوان) و همانندسازی غیرمولد (تحقیقاتی- درمانی) با توجه به کاربردهای آن قابل تجویز می‌باشد. اما لازم است ضابطه‌مند شود و توسط قوانین و مقررات لازم، حدود و ثغور آن مشخص گردد تا راه انحراف و سوءاستفاده‌های احتمالی برطرف گردد و بتوان از حرکت آن به سمتی که موجب اختلال در اجتماع بشری شود پیشگیری نمود.

جرمانگاری باید دقیق و همه‌جانبه بوده به‌ویژه توجه به اقدامات پیشگیرانه و مجازات مناسب و متناسب با جرم مورد عنایت قرار گیرد. در کنار مجازات‌های سالب آزادی، می‌توان مجازات‌های نقدی که جنبه پیشگیری هم دارند را در نظر گرفت و با مجازات‌های مدنی بر دامنه و تنوع آن افزود.

برای تهیه قواعد حقوقی در این زمینه، با توجه به ارتباط تنگاتنگ اخلاق و دین با حقوق، در کنار استفاده از کارشناسان سایر رشته‌ها، همکاری و تعامل نزدیک و مستمری بین اهالی اخلاق و علمای دینی در کنار اندیشمندان حقوقی مؤثر خواهد بود. از آنجا که این گونه مباحث مرز داخلی نمی‌شناسد، می‌توان از تجارب و اقدامات دیگر کشورها و قوانین موضوعه آنها و مباحثات مربوط به تصویب قوانین مذکور، جهت طراحی الگویی مناسب بهره جست.

در تدوین مقررات باید به شخصیت حقیقی و حقوقی عنایت داشت و بین آنها تفکیک قایل شد، یعنی هم برای افراد و دست‌اندرکاران شبیه‌سازی و هم برای نهادها و مؤسسات دخیل در این زمینه، تمهیدات قانونی مناسب تدارک دید. این فناوری نیازمند یک متولی می‌باشد که می‌تواند یک نهاد مستقل یا سازمان مؤسسه‌ای که وابسته به وزارتخانه‌ای مثل وزارت بهداشت و درمان یا وزارت علوم باشد یا سازمانی مثل سازمان انرژی اتمی که وابسته به نهاد ریاست جمهوری

است، باشد. بدیهی است از ابتدایی‌ترین امور در مورد این نهاد متولی مشخص شدن
اعضاء و وظایف آنهاست.

برای فعالیت مؤسسات در زمینه شبیه‌سازی تحقیقاتی، ابتدا باید مشخص شود که
آیا مراکز خصوصی هم اجازه فعالیت خواهند داشت یا نه؟ در مرحله بعد طی
مراحل قانونی مانند کسب مجوز برای شروع و ادامه فعالیت باید در دستور کار
قرار گیرد.

یکی از وظایف نهاد متولی باید صدور مجوز براساس آیین‌نامه‌ها باشد. این نهاد
در کنار صدور مجوز برای مؤسسات، باید وظیفه صادر کردن مجوز فعالیت برای
افراد پس از بررسی صلاحیت علمی و عملی و اخلاقی آنها را هم عهده‌دار باشد.
مجوزهای صادره باید موقتی و قابل تمدید باشند و در صورت تخلف یا انحراف
از موارد مجاز، تعلیق یا لغو گردد. بدین طریق دارندگان مجوز احساس مسؤولیت
بیشتری نموده و دقت افزون‌تری به کار خواهند بست.

باید موارد مجاز و محدوده و نوع فعالیت مؤسسات و افراد در مجوز مشخص
شود، به گونه‌ای که عدول از آنها طبق مقررات مجازات کیفری و مدنی مصوب را
به همراه داشته باشد.

بازرسی مستمر، صادقانه و علمی مراکز واجد مجوز توسط نهاد متولی، برای
کنترل دقیق این مؤسسات ضروری است تا در صورت انحراف از محدوده‌های
مجاز، تذکرات لازم داده شود و اقدامات قانونی مقتضی انجام پذیرد.

نتیجه

جامعه بین‌الملل و به تبع آن دولت‌ها به‌ویژه کشورهای صاحب تکنولوژی شبیه‌سازی، در آستانه انتخاب و آزمونی بزرگ قرار دارند. فواید محدود و کارکردهای این پدیده، اجتماع انسانی را در دغدغه‌ای بی‌انتهای درقبال پذیرش بی‌پروای آن قرار داده است؛ زیرا پذیرش آن مستلزم تجربه و قبول خطرات بالقوه و بالفعل آن است که این امر خارج از دایره احتیاط و شرط عقل است.

عملکرد جامعه جهانی و برخی کشورهای پیشرفته نظیر آمریکا، انگلستان، فرانسه، ژاپن و استرالیا در مواجهه با این پدیده، حاکی از امعان نظر و توجه بالای کشورهای مذکور به عمق موضوع می‌باشد و حتی برخی، حکم قانونی به ممنوعیت مطلق شبیه‌سازی و بعضی دیگر ممنوعیت شبیه‌سازی انسان و تجویز مشروط همانندسازی تحقیقاتی داده‌اند. این حکومت‌ها علی‌رغم اینکه فاقد باورهای اصیل و کامل دین اسلام و بی‌نصیب از منابع معتبر اسلامی هستند، با استناد به اصول اخلاقی و برخی باورهای دینی و عرفی و قواعد حقوقی، در راستای برقراری نظم اجتماعی و با ایده پیشگیرانه، چنین عکس‌عملی جدی و قانونمند را اختیار کرده‌اند و در مسیر حفظ شأن و کرامت انسانی گام برداشته‌اند، حال آنکه ایران اسلامی که مهد تشیع است و واجد منابع غنی و پویا و مملو از روایات و دستورات دینی از حضرات معصومین (علیهم‌السلام) در راستای شناخت، حفظ و ارتقای کرامت انسان‌هاست و داعیه عدل‌پروری و عدالت‌گستری دارد و با توجه به اینکه از پیشگامان این تکنولوژی نیز می‌باشد، اقدام قانونی مؤثری انجام نداده است.

از آنجا که شبیه‌سازی خصوصاً نوع مولد انسان از مسائل مستحدثه و سؤال برانگیز معاصر است، با عنایت به تنوع و تشتت آرای علمای اسلامی و عدم اجماع

فقه‌های اسلامی در مورد تجویز آن به دلیل مخاطرات موجود و مفسد نهفته در این تکنولوژی، پیامدهای سوء اخلاقی و همپای با جامعه جهانی و کشورهای پیشرفته صاحب این تکنولوژی و به حکم عقل سلیم که علی رغم برخی فواید این فناوری از کنار مخاطرات آن نمی‌تواند بگذرد، که همانا حکم شرع مقدس هم می‌باشد^{۲۵} لزوم جرم‌انگاری این تکنولوژی را در کشورمان که از معدود کشورهای صاحب این فناوری است می‌توان استنباط نمود و زیننده ایران اسلامی و دستگاه قضایی و قانونگذار نمی‌باشد که علی رغم پیشرفت‌های شگرف دانشمندان و محققین کشور در زمینه این دانش نوین، نسبت به ضابطه‌مند نمودن آن و خلأ قانونی موجود در این زمینه غفلت ورزد، بلکه شایسته است با اتخاذ سیاست جنایی^{۲۶} مناسب و وضع قوانین کارآمد در رفع این نقیصه اقدام نماید.

پی‌نوشت‌ها

1-Alvin Tofler.

۲- مجمع البحوث الاسلامیه.

۳- برای آگاهی بیشتر/بنگرید به:

[http://www.gulf Park.com\(2002/10/16\)/](http://www.gulf Park.com(2002/10/16)/)

۴- المجلس الأروبی للافتاء و البحوث.

۵- برای آگاهی بیشتر/بنگرید به:

[http://WWW.ecfr.org\(2004/10/22\)/](http://WWW.ecfr.org(2004/10/22)/)

۶- مجمع الفقه الاسلامی.

۷- دلایل کلامی یا دلایل الهیاتی، دلایلی است که معتقدند این عمل خاص مستقیماً یکی از آموزه‌های

دینی و اعتقادی ما را مختل می‌کند یا زیر سؤال می‌برد مثل دخالت در کار خدا.

۸- دلایل فقهی ناظر به این نکته است که این عمل خاص ممکن است در یکی از احکام شرعی اختلال

و مانع ایجاد کند. مثل ارث و (ر.ک به: مجله فقه، سال ۱۳، شماره ۴۷، ص ۵۳).

9- World Health Organization(WHO).

10- UNESCO.

11- UN.DOC.A/C.6/57/L.8.

12- UN.DOC.A/C.6/57/L.3/REV.

13- United Nation Declaration on human cloning.

- 14- Resolution on Cloning,12/3/1997,official journal C115,14.4/92,para.1.
 15- Resolution on Cloning,15/1/1998,official journal c34.& European parliament Resolution on Human cloning,7/9/2000.
 16- Council of Europe,parliamentary Assembly,Recommendation 1046 on the use of Human Embryos and Fetuses for Diagnostic,Therapeutic,scientific,Industrial and commercial purposes,24/9/1986.
 17- Council of Europe,parliamentary Assembly,Recommendation 1100 on the use of Human Embryos and Fetuses in scientific Research,2/2/1989.
 18- Council of Europe,parliamentary opinion No.202 on the Draft additional protocol to the convention on Human Rights and Biomedicine on the prohibition of cloning Human Beings,23/9/1997.
 19- Council of Europe,parliamentary Assembly,order No,534 on Research and the cloning of Human Beings,23/9/1997.
 ۲۰- گروه مشاوران در این گزارش بین همانندسازی مولد انسان و غیرمولد (تحقیقاتی - درمانی) تفاوت قایل شده و ضمن ممنوعیت همانندسازی مولد به خاطر ابهامات و پیچیدگی‌های اخلاقی و ابزارانگاری انسان، همانندسازی تحقیقاتی را مجاز تشخیص داده بودند.
 21- Prohibition of Human cloning Act.
 22- Human Reproductive cloning Act.
 23- Human cloning Ban and stem cell Research Protection Act.
 ۲۴- میشیگان، اراکانزاس، داکوتای شمالی و جنوبی.
 ۲۵- حکم به العقل، حکم به الشرع.
 26- Criminal Policy.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- عباسی، محمود و همکاران. (۱۳۸۶). اخلاق پزشکی و انتظار بیمار از پزشک. تهران: مؤسسه فرهنگی حقوقی سینا.
 عباسی، محمود. (۱۳۸۶). همانندسازی انسان: چالشی نو فراروی اخلاق و حقوق بشر، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره سوم.
 محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۸۶). شبیه‌سازی از منظر فقه و اخلاق. فصلنامه حقوق پزشکی. شماره اول.
 موثق، هومن. (۱۳۸۶). رویکرد حقوق بین‌الملل به شبیه‌سازی انسانی. فصلنامه حقوق پزشکی. شماره اول.
 ویلسون، جیمز کیو - آراکاس، لئون. (۱۳۸۲). شبیه‌سازی و گسست نظام اخلاقی. ماهنامه سیاست غرب. شماره هشتم.

(ب) منابع لاتین

۱- کتابها و مقالات

- Janisch, R. & Wilmot, I. (2001). Don't Clone human! Policy Forum: Developmental Biology, 291, extracted from: <http://www.sciencemag.org>.
- National Bioethics Advisory Commission, Ethical Considerations, available at: <http://Bioethics.Georgetown.edu/nbac/cloning1/chapter4/pdf>.
- The National Academy of Science (NAS), 2002, Scientific and Medical Aspects of Human Reproduction Cloning, Washington D.C: National Academy press.

۲- قوانین، مقررات و اسناد

- Council of Europe, Parliamentary Assembly, Order No.534 on Research and the cloning of Human Beings, 23/9/1997.
- Council of Europe, Parliamentary Assembly, Recommendation 1100 on the use of Human Embryo and Fetuses in Scientific Research, 2/2/1989.
- Laws of US. Human Cloning Ban and Stem cell Research Protection Act 2002, (Introduced in Senate)S 1893 Is, January 24, 2002.
- Laws of US. Human Cloning Ban and Stem cell Research Protection Act 2003, (In troduced in Senate)S 303 Is, February 5, 2003.
- Laws of Australia. Prohibition of Human Cloning Act 2002.
- Laws of Uk. The Human Fertilization and Embryology Act of 1990, uk.
- Laws of Japan. The Law Concerning Regulation Relating to Human Cloning Techniques and Other Similar Techniques 2002.
- The Prohibition of Cloning of Human Being Act 1998.
- UNESCO, International Declaration on Human Genetics Data, 16/10/2003.
- UNESCO, universal Declaration on Bioethics and Human Rights 19/10/2005.
- UNESCO, universal Declaration on the Human Genom and Human Rights 11/11/1997.
- United Nations Declaration on Human Cloning, A/RES/59/280.

یادداشت شناسه مؤلف

علی اصغر قربانی؛ پزشک عمومی و کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

نشانی الکترونیکی: dr.aaghorbani@yahoo.com

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۸۹/۱/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۵/۳۰